

آزادی زنان فقط زمانی تأمین می گردد که تمامز حمتکشان از قید ستم و استثمار رها شوند.

اتحاد ملی زنان چگونه سازمانی است.

"اتحاد ملی زنان" سازمانی است مستقل، دموکراتیک و ضد امپریالیست که به هیچ حزب، گروه و دستهای وابسته نیست و ساختار حتمت دموکراتیک آن دارای ایدئولوژی خاص نمی باشد و افراد میتوانند با حفظ اعتقادات خود و قبول مشور در این سازمان فعالیت نمایند. بدینوسیله است که هیچ یک از اعضا حق تحمیل اصول خاص اعتقادات خود را به سازمان ندارند و فعالیت آنان باید منحصراً در چهار چوب مشور انجام پذیرد. این سازمان از تاریخ ۱/۸/۱۳۵۸ فعالیت خود را آغاز نمود.

در این شماره می خوانید:

- ۱ - هشتم مارس روز زمین المللی زنان
- ۲ - نقش زنان در جنبش های رهایی بخش
- ۳ - شرح حال "کلارا زتکین"
- ۴ - "زن روز" دبیروزوا امروز
- ۵ - زنان رزمنده ایران "مرضیه احمدی لکوشی وفا طهمینه"
- ۶ - برگی از تاریخ "عزت زنان و نقاب پوش ایران با بنسند باد"
- ۷ - دومین سخن میگوید
- ۸ - مما حبه با زنی از خلق کرد
- ۹ - زنان در کوبا ای انقلابی
- ۱۰ - تاریخچه سازمانهای زنان در ایران
- ۱۱ - کنگه کولونیس "آفرینش های خلقی او"

روی جلد
جشن استقلال الجزایر ۳ ژوئن ۱۹۶۲

۱۸ اسفند (۸ مارس) روز بین المللی زنان



روز هشتم مارس، روز همبستگی زنان زحمتکش سراسر جهان است. هشتم مارس ۱۹۰۸ هزاران تن از زنان کارگر صابونساز در شهر نیویورک علیه تبعیضات موجودا معده دست نسبت به زنان دست به تظاهرات زدند و خواهان حقوق سیاسی و کسب حق رای برای زنان شدند.

در ۱۹۱۰ یعنی دو سال بعد از این تاریخ در کنگره بین المللی زنان سوسیالیست در کینیاگ، به پیشنهاد "کلارا زتکین" روز هشتم مارس بعنوان روز بین المللی زنان اعلام شد.

ضرورت مبارزه برای کسب حق رای زنان در آن زمان مبتنی بر ضرورت افزایش قدرت نیروهای کارگری در پارلمان بود. حق رای از آنرو اهمیت داشت که میلیونها زن کارگر که با رشد سرمایه داری در رشته های مختلف صنعت به کار اشتغال یافته بودند بتوانند سهم مبارزات اقتصادی خود یعنی سیاسی بکشند و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن وسیله ای بود برای افزایش نفوذ اجتماعی و سیاسی آنان بعنوان یک تولیدکننده و یک شهروند. نخستین مراسم روز جهانی زنان در ۱۹۱۱ در بسیاری از کشورهای اروپایی با شکوه بسیار برپا شد.

در بسیاری از کشورهای سرمایه داری مبارزات زنان برای کسب حقوق سیاسی به نتایج رسید و آنان موفق به کسب حق رای شدند. اما زنان آگاه به این نکته واقف اند که حق رای و برابری سیاسی زن با مرد تنها اولین قدم در راه رشد سیاسی زنان است و آنها چگونه می توانند زنان کارگر را مردان در مبارزات اقتصادی آنان ضرورت دارد. مبارزات سیاسی نیز باید با شرکت زنان صورت پذیرد.

کلارا زتکین در این زمینه می گوید: "زنان کارگر باید کاملاً با هم متحد شوند که کسب حق رای نمی توانند معیارها را چون مبارزه زنان علیه مردان و بدون در نظر گرفتن اختلافات طبقاتی صورت بگیرد. بلکه تنها با مبارزه طبقاتی تمامی اشتباهات را بشناسند. بدون در نظر گرفتن هرگونه اختلاف جنسیت با بدست آوردن پذیرد."

در همین ماه، تحت حکومت اختناق و ستم پهلوی برگزار می مراسم روز بین المللی زنان. امکان پذیر نبود. سال گذشته برای نخستین بار زنان ایران برای گرامی شدن این روز بین المللی زنان مراسمی برپا دادند و تصمیم گرفتند در صفحه ۱۵

زن روز دیروز و امروز



در کشورهای وابسته امپریالیست های ساری تثبیت منابع خود که فارت منابع و استثمار نیروی انسانی این کشورهاست ، از هر وسیله ای استفاده می کنند . یکی از این منابع ، امپریالیستهای نکار میگیرند . تحمیل فرهنگ منطبق امپریالیستی به مردم این کشورهاست . در این راه رژیمهای دست نمانده اجرا کننده سیاست های استثمارری و استثمارری امپریالیستی می باشد .

در کشور ما پس از رژیم راضی ۱۳۳۲ که در خدمت تحکیم پایه های سرما به داری وابسته بود ، رژیم منفقور پهلوی با سوئی و گریزا اعلام کرد که گویا به زنان ایران آزادی اعطا کرده و آنها را از گروه خانه به بهانه لیست های اجتماعی گنا شده است . اما زنان مبارز ما بخوبی می دانند که هدف رژیم را اعطای آزادی چه بود .

آزادی زنان رژیم پهلوی در واقع آزادی سرما به داری در استثمار رفا و ارت هر چه بیشتر آنان بود زیرا اینها می که سرپا به بهره کشی از انسان شده ، نمیتواند آزادی زنان را که جزئی از جا همه هستند ، در نظر داشته باشد . در این زمان رژیم برهاری منحرف کردن فکر

آرایش می کردند . اولیونگر براسرو یکی کردن زبان و منحرف کردن انرژی آنان از فعالیت های اجتماعی و سیاسی ، منافع بلند مدت این سرما به داری را نگاه محظ سیستم وابسته استرا تا من می کردند . انتخابات دختران بسته که هر ساله با هزینه های گزاف به اشکارا این محله انجام میشد ، در هر روز این امری دختران جوان و دانش آموز میگویند . جاب داستانهای عشقی معتدل در قالب سرودها راهی ... تشکیل آژانس عسربانی همه در جهت به انبذال کشیدن عشق و احساسات والای انسانی تا حد روابط سطحی و زودگذر که معیار آن خوش لباس بودن و ظریفی است ربا بودن . خوب رقم صد و ... به عسای آن می گویند . اس محله با انتشار مطالبی که ذکر ندا را رگانهای شخصی بوده که در جهت تحکیم رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی می گویند .

تا سال گذشته و پس از قیام قهرمانان سه ظلمانی که در زمان نبرد آن همپای مردان شرکت فعال داشته و کشته شده اند ، محله ... زن روز همچنان منقخر میشد . تا لا بودن روحیه مبارزاتی توده ها که تا سودی کامل امپریالیست را رکتور مان طلب منکره و انتقاد داشتی که از این طرف و آن طرف در مردن روز نوروز در این مشا به آن به کوشش میخورد ، باعث شد که این محله دوسه هفته ای اجرا را منقخر شود پس از مدتی با تغییراتی در عکسهای روی تلیدو جل آن دوبا و به حساب رسید ، اولن شما رگ سری جدید محله در آورد . محتوای آن چنین نوشته بود : چون محتوای محله با روح انقلاب اسلامی ایران تطبیق نداشت ، لذا سری جدید این محله با تغییرات بنیادی که در آن صورت گرفته در جهت تقویت ... همه ما میخواهیم که کودکانمان و نیمی و نیمی

با شدولی آنها اغلب به این خواست تن در نمی دهند ... سپس روانشناسی آمریکا شی علل روانی می دانی ، کسل بودن و تا مرتب بودن کودکان را به شیوه خود که سرپوش گذاشتن بر زیربسی مادی پدیده ها و توجه روانی آنهاست ، را مشخص میکند .

آیا گردانندگان محله که دام می کشند محتوای آن را با روح انقلاب اسلامی ایران تطبیق داده اند ، تا بحال سری به روستاهای ایران ویا نزدیکتر ، به جنوب همین تهران ، به دروازه فار ، به کوهها ، به خلیج آباد ، زور آباد ... نرده اندتا سیستم چرا فرزندان می مردم زمینکن و محرومی که در این مناطق زندگی می کنند . خوشحال ویا ادب و تمیز زندگی؟

آنها هیچوقت از جاده تور آم آرمگاه رد نشده است تا ببینند که چه جا طور با پای برهنه و لخت و پستی در میان آن ها باره ها و ما شنیدهای اسقاط شده میبلولند . تا بحال سری به کوهها نرده اندتا ببینند که چطور گاهی ۱۰ تا ۱۲ نفر در یک اتاق مخروبه زندگی می کنند .

آنها هیچوقت به کپریزگ و به صدها روستای دیگر ایران برهنه اند تا ببینند که تا آب میدنی الهالی ده ، آب سرد استمعین و گندیده روستاست و تا بحال پای هیچ دکتری به آنها نرسیده ، سیما ربهای را گریزا رفوا میکند و زسرو کله بچه ها ، رنگ و شیش با لامبرود . تا به همدگه چرا در این روستا ها کودکان تمیز و مرتب میشوند و دیگر برای درمان دردهای آنها نسخه های آمریکا شی تهیه میکنند؟

در شما ره ۲۴۱ در مقاله ای چنین مینویسد :
بچه در صفحه ۱۰

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش

قیه زن روز.....

در خا نوا ده زن و مرد در راه رفاه و روحی و مادی یکدیگر میگویند و البته هر یک بر اساس فطرت خویش بخشی از این مسئولیت را بخوی عمده تر برعهده میگیرند: زن با روح پر شور و عاطفه خویش با شوق و شیفقتگی و لطف و صفای ذاتی و فطری زنانه و ما در آنه خویش زما و روحی و معنوی خا نوا ده را فراهم میگرد و میرسد تا توانائی جسمی انقلاب اسلامی ایران و آگاه نمودن زنان جامعه ما انتشار می یابد.

بررسی شما ره های جدید جمله نشان میدهد که نه تنها محتوای مطالب عوض نشده بلکه گردانندگان آن جمله با چای مطالب و معضلات هدف خاص هدئی را دنبال می کنند که جز در اسارت نگاهداشتن کل زحمتکشان جامعه ما که آزادی زنان در گرد و آرای آنهاست ، نمی باشد .

در این مرحله خاص از تاریخ کشور ما که همه نیروهای انقلابی جهت اصلی ما رزه خود را می رزه بر علیه امپریالیسم و پیگانه ها علی آن می دانند در این مرحله که پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک در گرو بسیج تمام اقشار خلق است ، زن روزه بان ، به نیمی از نیروی خلق فتوا میدهد که " مهمترین وظیفه شو همان وظیفه مقدس ما دری است " . از زنان میخواهد که تما میبوی خود را در جهت تربیت فرزندان خود ریزند و البته در این امر از تجربیات روانشناسان آمریکائی استفاده کنند .

در شماره ۷۲۴ مجله در مقاله " روابط بین والدین و کودکان " چنین می خوانیم : " از آنجا که تشریفه ای مخصوص خانها پیش از هر چیز با بد زحمت زن و در جهت رفاه نفسی و بدنی با ریه اوگام بر دارد ، با بد زحمتی که در زندگی و مسائل کلی که مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با نقش وی است ، مطرح نماید ، نظیر

بیا اینکه اولین و مهمترین اشرا اجتماعی و خانوادگی یک زن مقام اداری اوست ، زن روز خود را موظف می داند که تحقیقات و تجربیاتی را که در این زمینه توسط مطلقین و متخصصین این امور انجام می یابد ، در اختیار زنان برای قرار دهد . مقاله بلا صفاصفتی ارتکاب " دکتر جنیور " متخص روانشناسی کودک از نیویورک ادا می یابد :

- ۱ - ما میخواهیم هر فرد انمان خوشحال و آسوده باشد .
- ۲ - ما میخواهیم هر فرد انمان با ادب رفتار کند .

و قدرت مقاومت و مسرمدانه خویش اقتصاد خانواد را بعهده میگیرد . انسان با بد چشمهای خود را بر واقعیات بسته یا فدا نشود تا بنطور سخن گوید ، باید ندیده ماند که در این مین ما در روستا ها ، در کارخانه ها و در ادارات پایای مردان کار میگرد و سبب همی در تولید اجتماع می بعهده دارند . باید اندامی که زن زحمتکن علی رغم " ویژگیها و فطرت خاص " ش بعد از کار طاقت فرسایدر مرز و کارخانه مسئولیت رسیدگی نه مورخانه و نگهداری و مواظبت از کودکان خود را نیز برعهده دارند . نادیده گرفتن نقش زنان در تولید اجتماع می و منحصر گردن اشرا جمعی او به یکدیگری از فرزندان ، مقام انسانی را از میگیرد .

انسان با بد مبارات قهرمانانه زن انسان میبماند و در تار و پودر تالیهای دیکتاتوری ندیده ماند غدا بدتجاعت و مقاومت آن رادر روبروی ما مزدوران رژیم نگار کند تا قدرت و مقاومت و صبر را خاص مردان نکند .

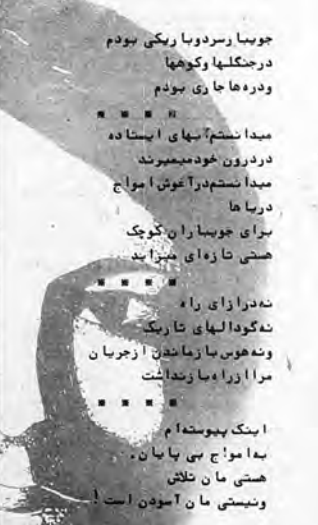
بطوریکه دیدیم علی رغم دعای گردانندگان جدید جمله محتوای آن تغییر نگردیده و همان مطالب در قالب کلمات جدید و بیرونی ملاحظه تر مطرح میشود ، داستانهای کوتاه عشقی و برسر

قیه در صفحه ۱۰

زبان رزمنده ایران

مرضیه احمدی اسکونی و فاطمه امینی

با درد روحی که آنها با آن دست به گریبان بودند آغاز شد . پس از گرفتن دیپلم وارد دانشگاه تبریز دولتی ارتقا که کار کردن و تحصیل فرست او را برای مطالعه و آشنایی با زندگی مردم تنگ مکر در عدا زیکمال ترک تحصیل نمود و در یاد استر ای سپاه دانش شد . او در این دوران با وسیع تر کردن مطالعات خود به آگاهی های علمی اش فضای بیشتری میبخشد ، برای او مطالعه نه برای افزایش محفوظات ذهنی بلکه برای آگاهی اش و آشنایی با واقعیتها و یافتن دیدی علمی دربرای آشنایی با رتبه های خلق بود تا از این طریق بتواند در مبارزات رها بی بخش بهر صبر خود را پیدا کند . او در یاد استر ایی از زمانها را میگذراند با دانشجویی بود و در آنجا با آن سفند ماه ۲۹ نقش رهبری را داشت بطوریکه در مرداد ۵۵ زمانیکه داد نشر را تعطیل کردند او را دستگیر نمودند ولی بعد از چند روز با جوینی و تبه در آتش ساختند . پس از آن یکسال دبیر دبیرستانهای اسکون و لوی ارتقا که اینگونه فعالیتها نمیتوانست در حبه مبارزه جوینی شورش را از انما بد برای پرستان به جنبش مسلحانه به تیران آموزد در زمستان ۵۱ با چند نفر دیگر گروه با خلق می ملحقه به تشکیل داد . او فروردین ۵۲ بصورت یک مبارز حرفه ای درآمد و در آن علمی را آقا محمود



جوبیا و سردوبیا ریگی بودم

در جنگها و کوهها

و دردها جای بودم

میدانستم؟ نه ای استاد

دردون خود میمیرند

میدانستم در آغوش امواج

در سها

برای جوبیان کوچک

صحتی تازه ای میزاید

نه در آرای راه

نه گوید الهای تاریک

و نه هوس ما ز ما در آن جریان

مرا از راه با ونداشتن

اینک پیوسته ام

به امواج بی پایان

هستی ما تلخ

و نیستی ما آن آسودن است!

مرضیه احمدی اسکونی یکی از قهرمانان جنبش مسلحانه ایران است و رها مرضیه که با تمام وجودش احساس می کرد و با تمام وجودش که به راه مبارزه و پیروزی خلق داشت و با تمام وجودش آرا نمیگرفت . و پس از آنکه پیوسته ام جاننا ز دیگری در تار و پودر جنگ ما شد .

"مرضیه احمدی اسکونی" یکی از آن تمام دانشمندیها و مکتبهای علمی و فرهنگی است که در آن زمانها در کشور ما حضور داشتند و از طریق نزدیک شدن با خا نوا ده های شاگردانش

قیه در صفحه ۱۱

سرانجام در اردیبهشت ۵۳ در بندر یورپا روی پس از مفاومتی دلیرانه شهید شد.

عشق عمیق به خلق و کینه بی پایانش به دشمن از او انسانی خشن و در عین حال بسیار ممیمن ساخته بود. او که استعداد زیادی هم در نوشتن قلم و سرودن شعر داشت، هیچگاه به طور جدی دنبال اینکار را نگرفت زیرا زندگی از او چیز دیگری میخواست. خود همواره می گفت "منی خواهم یا قلم زندگی کنم، بلکه میخوام

افتخار

من مادرم
من خواهرم
من همسری مادرم
من یک زنم
زنی از دهکده های مرده جنوب
زنی که از آغاز
با پای برهنه،
دوبده است سرتا سر خاک تف کرده ای

دشت ها را .

من از روستا های کوچک شمال
زنی که از آغاز،
در شا لیزا رومزا رچای،
تا تنها بت توان گام زده است .

من از ویرانه های دور مشرقم،
زنی که از آغاز،
با پای برهنه،
عشق تند زمین را
در پی قطره ای آب در نور دیده ایست .

زنی که از آغاز،
با پای برهنه،

قصه هایم را با زندگی ام نویسم". بر آستی هم برای او که میتوانست در آستان چنین حاشیه بزرگی در تاریخ جنبش نقش داشته باشد، بیرویش استعداد ذهنی و نوشتن اهمیت فرمی پیبدا می کرد. با اینحال از او شعرها و قصه ها با داداشها بی بنا مانده که علاوه بر نشان دادن تفکر و زندگی انقلابی اش مبین احساس هنرمندانه او نیز هست. ♦

همراه با گاو لاغرش در خرمنگاه،
از ظلوع تا غروب،
از شام تا بام،
سنگینی رنج را لمس کرده است .

من یک زنم،
از ایلات آواره دشتها و کوهها،
زنی که کودکش را در کوه پنداشا میاورد،
ویش را در پهنه دشت از دست میدهد

و به عزای نشیند .

من یک زنم
کارگری که دستها یش،
ماشین عظیم کارخانه را بحرکت در میاورد،
و هر روز،
توانا کشش را داندانه های چرخ،
دیزل و بزمی کند پیش چشما نش

زنی که از عماره ای جانش،
پروازش می شود لانه خونخوار،
و از شباهی خویش،
افزونی می شود سو در سما به دار،
زنی که مرادف مفهومش .

در هیچ جای فرهنگ تنگ آلود شما

وجود ندارد

که دستها یش سپید،

قا مشن ظریف،

که پوستش لطیف،

و گیوانش غلغل آکین باشد.

من یک زنم،

با دستهای که،

از تیغ پرنده ای رنجها،

زخمها دارد.

زنی که قا مشن ازنها بت بیشتر می شام

در زیر کار رتوا نقره ای،

آسان نکسته است،

زنی که پوستش آشنه آفتاب کویر است،

و کیشوا نش سوی دود میدهد.

♦ ♦ ♦

من زنی آزاده ام،

زنی که از آغاز،

با بیای رفیق ویرا درخود،

دشتها را در نوردیده است .

زنی که پرورده است،

با زوی نیرو مندنگا رگر،

و آشنایا بر قدرت دهقان را،

من خودکار رگزم،

من خوددهقا نم،

تنامی قا مت من نقش رنج

و ریکرم تجسم کینه است .

چه بیشتر مانده است که بمن میگوید،

رنج گرسنگی ام خیال،

و غربانی شتم رویا است .

♦ ♦ ♦

من یک زنم،

زنی که مرادف مفهومش،

در هیچ جای فرهنگ تنگ آلود شما

وجود ندارد .

زنی که در سینه اش دلی،

آکنده از زخمهای چرکین

خشم است .

زنی که در چشما نش،

انگکان گلرنگ گلوله های آزادی

موج میزند .

زنی که دستا نش را کار،

برای گرفتن سلاح پرورده است .

گرامی باد خاطره همه شهیدای خلق

فاطمه امینی

فاطمه امینی یکی از مفاومتین انقلابیون ایران و افتخار بزرگ خلق قهرمان ایران سوبزه زمان مبارزمین ماست . او از سال ۱۳۳۱ هجری قمری که در دانشسرای تربیت معلم مشهد تحصیل مینمود عملاً از دمیا زرات سیاسی شد و به همراه چند تن از با رانش مضمم گشت که تمام هستی و امکانا نش را وقف مبارزه نما بنیومیرفت تا حتما به بزرگی از

فداکاری و مفاومت نیا فرزند . آنان با وجود همه امکانات، با چشم پوشی از مفا هرا سارت باز و بی مسئولیت زندگی چون ، پول و مقام زندگی انقلابی را در پیش گرفتند و سراسر هم که هرا نقلاشی که مضمم به ادا به بیگناهی را شد میبایست خود را از تمام وابستگی ها و مفا هری که سرما به داری وابسته برای تسلیم طلبان تدارک

فاطمه در سال ۴۳ اردا شکده زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید فارغ التحصیل شد و از آن پس با ادامه کارهای مطالعاتی در ارتقا و آگاهی سیاسی خود می‌کوشید و با انتخاب شغل معلمی و آگاهی دادن به محصلین و فرزندانش توده‌های محروم آن زمان را به مبارزه تشویق میکرد و در نقش یک دوست صمیمی و یک معلم مسئول با نشان راه‌رندی انقلابی زامی آموخت.

در سال ۴۹ به تهران آمد و در همان سال به "سازمان مجاهدین خلق ایران" پیوست و بعنوان یک عنصر تشکیلی و ارادکار جمعی معنی شد و در اوایل همان سال با یکی از اعضای سازمان اردواج نمود. در این زمان کارهای فاطمه ارتباط گرفتن با خانواده‌های شهدا و زندانیان مجاهدین خلق بود. تا آن زمان را در مواقع ضروری برای حرکتی‌های اعتراضی فرعی به رژیم تسبیح می‌نمود. او اما کارهای بی‌شمار مجاهدین را تا پیش واداره میکرد و در این روابط افراد مستعد را به سازمان معرفی می‌نمود. حساس بودن کارش را از اینجاست میتوان دریافت که اگر فاطمه در بربریت کلبه سخن میگفت سواد همسران ناپذیری به سازمان مجاهدین وارد می‌آمد. در روابط سال ۵۳ با شدت عمل با پس‌علیه انقلابیون و شروع خانه‌گردی در تهران زندگی کارگزاران معنی را آغاز کرد. ولی سرانجام در اسفند ۵۳ توسط مزدوران ساواک دستگیر و بلافاصله روانه شکنجه‌گاه اوین گردید. در آنجا تحت سهرمانه‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفت و دشمن او را مورد آزارهای ابروهای گوناگون شکنجه خود قرار داد. اما فاطمه قهرمانانه مقاومت خود را در برابر آزارها بعد از ۵ ماه تحمل جسمی-عینی شکنجه‌ها در ۲۵ مرداد ۵۴ به شهادت رسید. او تمام موجودش عشق به خلق و کینه به دشمن بود و در اثنای بازجویی وقتی یکی از همزنجیرانش از او می‌خواهد که بگوید خودش را با بقدر زجر ندهد و خانه‌ای را که تخلیه شده آدرس را بدهد و در جواب می‌گوید: "درخت کوچکی در آن خانه هست

که نمیتوانم آسرا بدست این جلادان خونخوار بدهم. من نمی‌آدرس آن خانه را نمیدهم.

او در زمره انسانهایی بود که مواجبه‌با مشکلات را لازمه رشد و تکامل انسان میدانند و با روی گشاده آفتاب استقبال می‌نمایند. بطوریکه در نامه‌ای در اسفند ۵۱ برای یکی از شاگردانش چنین نوشت:

"هریک از ما در زندگی با مشکلاتی برخورد می‌کنیم، اگر مشکل نبود، زندگی نبود. انسان منتکامل از این مشکلات استقبال میکند تا تجربه‌کسب نموده و تکامل بیشتری یابد. من می‌دانم که مشکل برای هر کس و در هر نوع شرایطی وجود دارد. چه در گذشته و چه در آینده. انسانی در مقابل آن قدم‌گام کند و پویا می‌ماند بدل راه دهد."

بانوی پاک‌رهای

آمد

با نوبی پاک‌رهای

خشم‌بجم‌مظلومان

پهچیده‌برردی‌مداقت‌وایمان

ایماند

در آستانه‌ضیافت‌گرگان

کوه‌بلندپیکرش‌را

با آن زخم‌پلیدان‌می‌شست

از زهر گشای کوه

چوبیا‌رسوخ‌فام‌شها‌می‌جاری‌بود

شبی‌زخون

از او برگیسوان‌کی‌بودش‌می‌ریخت

برق‌محبت‌در چشمانش

په‌یون‌روزوسیا‌می‌بود

گفتند: نام‌ونشان‌ت؟

گفت:

من یک مجاهد

فرزند خلق

اهل‌کدام‌دبای‌ری؟

گفت:

من زاده‌دبای‌رحمت‌خلق

پرورده‌بلیدی‌ویدکاری‌شما

گفتند: از کدام‌مایل‌وتشاری؟

گفت:

بی‌شک‌جدا‌زینما‌شما‌بانم

من

بی‌زواک‌خشم‌غشای‌خلق

همخواه‌بسی‌سلسل‌ونارنجک

او‌ازمن‌خوش‌رها‌شست

شعر حمدت‌ردخلیق

مدبای‌را‌گریه‌تا‌زبا‌نه‌بگویدم

آ‌و‌زوش‌عمرن‌جزاین‌نتواند‌بود.

زان‌پس

با‌نوبی‌پاک‌رهای

کوه‌بلند‌استواری‌وایمان

تن‌را‌به‌نا‌زبا‌نه‌نگران‌داد

خاموش،‌برطاب‌و‌مغزور

در‌راه‌خلق

در‌آن‌ضیافت‌خونین‌جان‌داد

با‌نوبی‌پاک‌رهای

ای‌کوه‌غشته،‌خلالت‌باد

رو‌دروان‌سلام‌ودرد‌و‌خلق

افسانه‌ی‌طلابت‌انوار‌مروز

لالای‌کودکان‌رسته‌زبیدا‌دانت

شیر‌بلند‌صیوری‌وایمانت

آ‌و‌زهر‌ترنه‌و‌فربادا‌انت

با‌نوبی‌غشته

خلالت‌باد.

◆

بقیه ۱۸ اسفند روز ...

به تظاهرات گسترده آن علیه حجاب اجباری و سایر تبعیضات نسبت به حقوق زنان انجامید.

خجسته‌ها دهمین مارس (۱۷ اسفند) روز همبستگی زنان زخم‌کش سرارچه‌ها، روز همبستگی ما مبارزات زنان جهان علیه امپریالیسم و استعمار. ◆

بقیه زن روز ...

دوره‌های همچنان روابط سطحی و عشق‌های مبتذل را تبلیغ می‌کند. محور مطالب زن روز ربه‌روال گذشته تکیه بر نقش عشقی و مادری زن و دور نگه داشتن زنان از صحنه اجتماع و بقای نقش واقعی او بعنوان یک انسان در جامعه است.

ما اطمینان داریم که دست‌اندرکاران مجله‌ها این واقعات ما اطلاع‌دوئی منافعی که باعث شده‌در این مرحله بخوانند و کلیه طرق ممکن اعم از عمد کردن، تبلیغ‌نامه‌داری زنان و سایر روش‌ها و نظریات خاص، زنان را از صف مبارزه‌فدا میریالیستی و رهایی‌بخش خلق خارج می‌کنند، منافع آنهاست. ◆

بدون شرکت آگاهانه
زنان هیچ جنبشی
به پیروزی نمی‌رسد

برگی از تاریخ

عزت زنان نقاب پوش ایران پاینده باد

نقل از: کتاب «حشمت» ایران
نویسنده: موزگان خوشتر

... موقع بسیار فام که طهورا شرارت و اراده های عالی برسان اسلامی را که بی دریغی واقع میشد به بیم.

ما که اروپائی و آمریکائی هستیم، از زمانه درباری شرکت دادن زنان مغرب زمین، در معاملات و پیشه و علم و ادب و فیزیک و پلیتیک عادی شده ایم. اما چه می توان گفت. دربارها زنان برده نشین و محبوب مشرق که قریب و به فاصله کمی، استاد و مدبر اجرا تدوین کلوب زنانه و نطقی و مقامین پلیتیک شده، و با کمال قوت مشغول به ترویج و ترفی خیالات همبسته مغرب زمین می باشند. معلوم نیست مملکتی که از ترفون عیدیه با این طرف، در تارتیکسی و حاجوشی استناد آید پیچیده شده، خیال اشتراک مملکتشان در تجدیدنگاری پلیتیک و تمدنی آنچه وقت طلوع نموده و این اعتقاد رایج زنان در فوالتین پلیتیک و تمدنی ارتکا پیدا شده! هیچ محل تردید و شبهه نیست که این گونه خیالات در نشان حادثه و حال هم هنوز باقی است. و عقل و ادراکی که بواسطه تجربه عملیات ناهالی دراز، بمیومان حاصل نموده اند، بر آن خیالات افزوده شده است.

زنان ایران نمونه مستغنی اروپا نیست و دلخای با کینه خود، در قبول خیالات حدیده، اظهار تمرد و بی تهور و محاهدت بشکامل خیالات خویش مشغول گشتند.

پس از چند روز از زور و بده ایران، در تخمیل مقام ملی، یعنی مجلس و جماعتی که وکیل و



خواهد شد....

... در آن ایام تارطلمانی که او هم مردم در تردید بود که آیا مجلس باقی خواهد ماند یا منحل میشود؟ زنان ایران با همبسان و خرات قلبی برای محافظت آزادی و محبت فوق العاده وطن خود، آخرین اقدامی بود که آنان را بر مردان تفوق و برتری داده و دلایل شجاعت و وطنشان بود، بمرعه ظهور را بنیدند، شهرت داشت که وکلا و نما بیندگان در چندجلسه سری مجلس، فرار داده بودند که مطالبات روسها را تسلیم نموده و رای شوند، با زاریسان و اهالی یا بخت فرقه فرقه شده بودند. در این صورت ملیپین وکلا را چگونه داد و وظایف خودشان مجبوری توسته بکنند؟

در این موقع زنان ایران جوابی مهیا نموده و پسند فرآ آن حسن ضعیف، از خانه جرمسرای محصور، با افتوحکی بشره کازرم نشانان خبر میداد، بیرون آمده در حالتی که در جادهای سیاه و سقا بهای مشک مقدم مشهور بوده و حرکت نظمی می نمودند و بسیاری از ایشان در زیر لباس با آرمیهایی خود، بطایفه مسا

محافظت نمود، در تهران شهرت داشت که دوستان و دسته ها را معافانجنم های سری زنان هستند، که مخفی و گمنام و در سخت او مرکز جمعیتی که زما منظم ایشان را در دست داشت می باشند، تا امروز همه اسم هیچک از آنها را دانسته و نداندند آن فرقه را می شناسم، ولی از طریق عیدیه مطلع شدم که فرارها ارتجس آن زنان ضعیف در پیشرفت کارهای من مساعدت می نماید.

ذکر نطقا چندینی برای اثبات این مطلب کافیست میکند. در تابستان گذشته بکرو صبح در موقعیکه در آره خود نشسته بودم گفتند یکی از منشیان ایرانی دفترخانه، برای مذاکره امر لازمی خواهش ملاقات داد. در مشرق زمین اخبار و ملاقات عجیبه، بی مقدمه و بیما بقه با نشان میرسد که آن خواهش را نمی خود بهیچ قسم سهولت رد نمود. آن مرد جوان داخل شد، تا آن زمان او را ندیده بودم، بزبان فرانسسه با هم گفتگو کردیم، بعد از اظهار معذرت و اجازه مکالمه، آزادانه گفت ما درش طرفدار ما بوده و مشاوران ما کاندید نموده که بیس بگوید که زن من باید خانه فلان امیر ایرانی که خانه او، او همانش کرده بودند نشود. زیرا که امیر دشمن حکومت مشروط است، و رفتن زن من بخانه مشاوران، باعث بدگمانی ایرانیان از من خواهد شد، از او تشکر نمودم و تا آنوقت خودنمتم از آن مقدمه دعوت اطلاع ندانسته و رود ملاقات شد که همان قسم تدبیر شده و بیپرویی نشمودن آنهم نصیحت شده بود. تا نشان جوان را طلبیده و سؤال نمودم که ما درش راجه را از این معامله مخفی و شخصی زن من اطلاع یافته است؟ جواب داد که ما درش در انجنم سری زنان عضویت دارد، و در آنجا این مسئله مطرح و مذاکره و بحث گردید و بعد فرار شده است که این امر را من اطلاع دهم.

... در تهران معروف بود که هرفوت و تنها، بز خلاف کابینه با دولت، بلوا و شورش می کنند، حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک و مست

بنده از صفحه ۹

زبان سازمان "در لیمبو" ارتش آزادیبخش مورامیک، نقشی فعال در عملیات نظامی و سیاسی نهاده‌ها رسود.

شرکت زبان در جنبش‌های رنج‌مان در شیپور و سائنتاوت بوده است و علت آنرا مستوان ساخت متفاد و اقتصاد و اجتماع در شیپور و سائنتاوت است. زبان در روستاها در مقابل مبارزه مسلحانه عکس العمل مثبتی نشان دادند و علانانه در مبارزه با نیروهای مرافقت از رخمبیا، تهیه آذوقه و مهمات، عملیات شناسایی و جاسوسی شرکت کردند. جنبه آزادیبخش زبان منتهی است که زبان باید در مبارزه شرکت کرده و کمک به پیشبرد انقلاب را وظیفه خود سازد. از همین رو زبان



تحت رهبری گادری زین، بطور گسترده‌ای در این جنبش شرکت دارند و از طریق فعالیت‌های سوادآموزی و تشکیل کلاس‌های تعلیمات سیاسی به انتشار فرهنگ انقلابی در میان توده‌های وسیع زبان منادرت ورنیده‌اند. زمانی که خلق الجزایر به نبرد رهایی بخش علیه استعمارگران فرانسوی اشتغال داشت، زبان این کشور دلاوریها و جاننازیهای بسیار را خود نشان داد و پیروزی خلق الجزایر را در جنگ‌های رنج‌مبارا میسر ساخت.

زبان الجزایر که به خاطر نقشش در فرهنگ سنتی پدرسالاری

بشدت دچار رستم‌بودند، پیش از شرکت در مبارزه، از هرگونه ارتطابق با مردان بخرا فردا خا نوا ده خود محروم بودند و حتی حق ظا هر شدن در مقابل چنان مردان غریبه را نداشتند. آنان نخست بعنوان خریدگر، رابط و حامل اطلاع و اسناد جنگی درگیر مبارزه شدند. اما با رشد جنبش، همزمان مردود شرها و کوهستانها به نبرد روی با استعمارگران برداختند و با پیشرفت ماها از خا نوا ده خود جدا می‌شدند. با این ترتیب خا نوا ده‌های رزمندگان زن بشدرج با وقوف بر اهمیت نقش دختران و همسرانشان در

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

مهمی نموده‌اند. زبان قهرمان فلسطینی خواهد در زبانه فعالیت‌های پشت صحنه، و خواهد در عملیات بیرونی و جنگی دوشا دوش سازد از خود می‌رزند و این نگردها پیروزی آرمان فلسطین همچنان ادامه خواهد داشت. در همین ما ایران، زبان بیوسته در دستوان خود در مبارزات نداد میربا لیستی و آزادی طلبانه میهن فعاله شرکت به زور می‌کند! زن خواهد در انقلاب مشروطیت، خواهد در جنبش‌های اعتراضی پس از آن، و در مبارزات ملی علیه حکومت‌های سرسپرده رضا خان و محمد رضا شاه و سیزده جنبش توده‌ای

چند سال اخیر در کنار برادران خود برای کسب آزادی ایران از قید نفوذ امپریالیسم جنکیده‌اند. تاریخ دوده گذشته مبارزات خلق ایران سرشار از دلاوری‌های زبان میهنی است که از طلوع بهشت علیه رژیم سرسپرده شاه مبارزه کرده و در راه آزادی خلق جان باختند. و.... مبارزه همچنان



ادامه دارد. مبارزه تا کسب آزادی واقعی ایران که همانا قطع کامل نفوذ امپریالیسم جهانخوا رستمین ما و ناسازی استعمار فریاد زبانه است همچنان ادامه خواهد داشت و زبان نگر همچون گذشته در کنار مردان این سرزمین برای ایرانی آزاد و آزادمبارزه خواهد کرد. و در راه آزادی خود جان خواهد داد. جنبه آزادی میهن از قید امپریالیسم و استعمار را ننگ آزادی زبان را به آنان باز خواهد کرد. تاریخ و تجربه سایر جنبش‌های رهایی بخش خلق‌های جهان چنین حکم می‌کند.



فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا



نویسنده: مامو وینز

دومیتیا سخن میگوید

معنی لاکوا، و دهکده‌های دیگر اطراف که به حرکت نقلی ندارند، زندگی می‌کنند.

خانه‌های معدنیان که از هر نظر فرعی هستند، پس از گذراندن چند سال کار به خودشان نقلی می‌گردند. شرکت به علت کمبود بلاناغله بعد از شروع کار به کسی خانه نمی‌دهد. اکثر معدنیان ۵ تا ۱۰ سال کار می‌کنند بدون آنکه خانه‌ای گیرند. بنابراین مجبورند در یکی از دهکده‌ها بمانند که مال شرکت نیست. اتاقی اجاره می‌کنند.

سه دلاوه آنها فقط در دوره خدمتشان در شرکت می‌توانند از خانه استفاده کنند. همین که یک معدنی به علت مرض ناشی از کارش یا بیماری معدنیان می‌میرد یا از رشت می‌گردد، سبزه‌باز وی را بیرون می‌اندازند و فقط ۹۰ روز فرصت دارد که خانه را ترک کند.

خانه‌های ما خیلی کوچک‌اند. یعنی که فقط یک اتاقی کوچک است. ۴ دره یا بیشتر داریم، این

اتاق یا داتاقی شبین، اتاق غذاخوری، آشپزخانه یا اتاق خوابی باشد. در بعضی خانه‌ها دو اتاق و یک آشپزخانه کوچک هست که یکی نظارت فرعی هستند. پس از گذراندن می‌توانند خودشان نقلی می‌گردند. شرکت به علت کمبود بلاناغله بعد از شروع کار به کسی خانه نمی‌دهد. اکثر معدنیان ۵ تا ۱۰ سال کار می‌کنند بدون آنکه خانه‌ای گیرند. بنابراین مجبورند در یکی از دهکده‌ها بمانند که مال شرکت نیست. اتاقی اجاره می‌کنند.

سه دلاوه آنها فقط در دوره خدمتشان در شرکت می‌توانند از خانه استفاده کنند. همین که یک معدنی به علت مرض ناشی از کارش یا بیماری معدنیان می‌میرد یا از رشت می‌گردد، سبزه‌باز وی را بیرون می‌اندازند و فقط ۹۰ روز فرصت دارد که خانه را ترک کند.

خانه‌های ما خیلی کوچک‌اند. یعنی که فقط یک اتاقی کوچک است. ۴ دره یا بیشتر داریم، این

اتاق یا داتاقی شبین، اتاق غذاخوری، آشپزخانه یا اتاق خوابی باشد. در بعضی خانه‌ها دو اتاق و یک آشپزخانه کوچک هست که یکی نظارت فرعی هستند. پس از گذراندن می‌توانند خودشان نقلی می‌گردند. شرکت به علت کمبود بلاناغله بعد از شروع کار به کسی خانه نمی‌دهد. اکثر معدنیان ۵ تا ۱۰ سال کار می‌کنند بدون آنکه خانه‌ای گیرند. بنابراین مجبورند در یکی از دهکده‌ها بمانند که مال شرکت نیست. اتاقی اجاره می‌کنند.

خانه‌های ما خیلی کوچک‌اند. یعنی که فقط یک اتاقی کوچک است. ۴ دره یا بیشتر داریم، این

دومیتیا سخن میگوید

نفت هست، چون با نفت گرم می‌شوند.

نخنخواب یا با بایا بایا چیزی ویا تنگ‌های ساخت نقل بین کنیم. قیمت یک تنگ درست و حسابی -/۱۰۰۰ تا -/۱۰۰۰ پیرواست و شبیه آن برای ما بیکل اسپ. اکثر معدنیان از همین یا با ساها دارند. مثلا در خانه خود من حتی یک تنگ واقعی موجود ندارد. یا با ساها را از این فکند ما خسته می‌شود. بنابراین دوام زیادی ندارند و خیلی هم بی‌ارح است. اما چقدر می‌تواند کرد؟ یا با ساها را از این طرف و آن طرف پاره می‌شود. اما آنها را فرو می‌کنیم. بالاخره باید کاری کرد تا دوامشان بیشتر شود.

برای چند ساعتی از روز مدت شب در اردوگاه شرکت به ما سرق می‌دهد.

به علاوه آب خوردن هم داریم. اما نه نوبی خانه. بلکه تلمه‌هایی در اطراف هست. با بدستی صف یا بستیم تا آب، سرداریم.

بنا بر این ملاحظه می‌کنند اما گمانت زیاد نمی‌داریم. مثلا حمامی خانه‌ها داریم. البته چند دستگاه حمام عمومی هست ولی هرکدام فقط ده دوازده تا دوش دارند. آنها هم برای کار اردوگاه، برای آب‌بسته‌آدم. کارها ما یک روز در میان است. یک روز مخصوص مردان، روز بعد مخصوص زنان. آنها فقط روزهایی که

فقط در خانه تکسین‌های شرکت حمام، و به فقط حمام، بلکه تجهیزات بهداشتی و مستراح پیدا می‌شود، چیزهایی که اصل نوبی خانه‌های کارگران وجود ندارد. برای سراسرناخه فقط حدود ده مستراح هست. برای سراسرناخه این‌ها خیلی زود کثیف می‌شوند و آب جاری هم ندارند. مسخ‌کارگران شرکت بزرگس و طیفه آنها را نظافت می‌کنند. اما پس از آن



اما بزرگس را راحتی این

خانه‌ها، به خاطر کمبود گرمایش یکی از آن‌ها را ساخته‌ای نیست. برای این منظور یک نوع رقابت وجود دارد. برای مثال یک کارگر که ده سال کار کرده است ده امتیاز بدست می‌آورد، اگر هفت‌جبهه و یک همسر داشته باشد ده امتیاز به حساب می‌آورد. اگر در داخل معدن کار می‌کند امتیازات بیشتری می‌گیرد. پس کارگر برای اینکه خانه‌ای بدست آورد باید ده امتیاز بدست آورد. در شرکت پیش‌گفته ما، تعداد زیادی بزرگس و ده‌جانبه‌ها در داخل معدن کار کنند. موارد زیادی وجود داشته که کارگری خیلی زود در معدن مرخص شده و مسروده است، حتی قبل از اینکه از یک خانه فرعی استفاده کرده باشد.

طبیعتا شکایات زیادی هست. این مسئله همیشه در معدن پیش می‌آید. اما شرکت می‌گوید که در اردوشرکت می‌شود نمی‌تواند مسکن بیشتری بسازد. هنوز اکثر خانه‌های اردوگاه آنها پیش هستند که وقتی شرکت خصوصی بود ساخته شدند. بعد از ملی شدن تقریبا همه چیز بحالت اول خود باقی ماند، تعداد بسیار کمی خانه ساخته شد. اخیرا مشغول بزرگس کردن بعضی از خانه‌ها هستند. بعد از شکایات و اعتراض‌های زیاد، شرکت را وادار کردیم که خانه‌های را که در حال ویرانی بودند تعمیر کردیم. شرکت‌های ما شما کسی آنها را نمی‌دست‌کاری کرده‌اند.

مستکلات فراوانی از نظر آب، به خصوص در دهکده‌ها می‌کنند. شرکت نیستند وجود دارد. آنها بیشتر از ما در خانه‌ها بدست‌های طولی باید باشند. راه‌های خیلی دور یا بند تا آب ببرند. این دهکده‌ها برخلاف ما برق ندارند، زندگی آن‌ها واقعا سخت است.

زنان در کوبای انقلابی

دیرا ره "ویلما اسپین"

"ویلما اسپین" از روزمندگان و رهبران جنبش چریکی کوبا تا زمان پیروزی جنبش، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، سازمان دهنده "فدراسیون زنان کوبا" و بنا بر رئیس آنچه خواهد بود نهاد محال گفتگویی است با این زن انقلابی که در مورد شرایط کنونی زندگی زنان کوبا در تمام زمینه‌ها از سرچشمه‌ترین مباحث نظران است. با هم میخوانیم:

سؤال: بنظر شما فمینیسم "در مسئله آزادی زنان چه نقشی دارد؟" موضع فدراسیون زنان کوبا (FMC) در مورد جریان های فمینیستی چیست؟

ویلما اسپین: یکی از موضوعات اجتماعی که در طول تاریخ مورد بحث بوده، بدون تردید مسئله زنان و نقش او در جامعه است. در سالیانی اخیر که جنبش انقلابی در سرجبان زمین عمل یافته، آزادی زنان تبدیل به موضوع مورد بحث جامعه‌شناسان، روانشناسان، سیاستمداران، اقتصاددانان، و علامه‌شناسان کسانی شده که بطریقی در ارتباط با اجتماع و پیشرفت آن قرار دارند. نیز با بدگوشیم که این مسئله در درجه اول و بیش از همه توجه خود زنان را جلب می‌کند.

بعقیده من، آزادی زنان از آزادی کل جامعه تفکیک پذیر نیست. تا زمانی که استثمار انسان

■ میازات اطلاع‌بخش نه‌زنان که بدون توجه به تضادهای طبقاتی جامعه صرفاً خواهان کسب برابری با مردان و برخورداری از امتیازات آنان است.

آزادمان ادا می‌دارد، تا زمانی که اسرا وتولید در مالکیت فئودالی استثمارکننده قرار داشته باشد. هیچگونه آزادی برای زنان که نسبی از بشریت را تشکیل می‌دهند نمی‌تواند وجود داشته باشد.

در پاسخ به سؤال شما در مورد نقش فمینیسم، باید بگویم از نظر تاریخی جنبش فمینیستی تنها جزئی از راه حل را ارائه می‌دهد که همان مبارزه برای احقاق حقوق سیاسی است. همان کاری که زنان در سالیهای ۱۹۲۰ برای کسب حق رای انجام می‌دادند. ولی عقیده من اینست جنبش ریشه‌های مسئله را که همانا جامعه سرمایه‌داری است هدف قرار می‌دهد.

البته جنبش فمینیستی در زمان خود یعنی اوایل قرن متری بود زیرا به وجود آمدن آگاهی زنان کمک میکرد تا آنرا از محدودیت‌های عبور می‌کنند. حتی الان هم مسئولیت‌های انگیزه‌ای را داشته‌اند که ما رضای آنها را کاملتیر می‌کنند. ولی نقطه ضعف اساسی آن اینست که از مسیر واقعی مبارزه که مبارزه در راه‌هایی تمام انسانیست منحرف می‌شود زنان بسیاری را که خواهان مبارزه در راه زندگی هستند دچار سردرگمی میکند.

جنبش فمینیستی در ایالت متحده و کشورهای



تشویق و تحریک می‌کنند. نه تنها آن‌ها را تعقیب و مجازات نمی‌کنند، بلکه اجازه رشد نیز به آنها می‌دهند زیرا این جنبش تا حدی تحت نفوذ باطنی دیکتاتوری‌ها هستند. فراموش نکنیم که زنان نسبی آزادی دهنندگان را تشکیل می‌دهند.

مسئله آزادی زنان مسئله‌ای طبقاتی است. تا زمانی که طبقات زحمتکش خود را زیر بار استثمار طبقات استثمارگرهای می‌کشند، مبارزه برای آزادی زنان نمیتواند بی‌میان آورد. مبارزه زنان رابطه‌ای غیرقابل تفکیک با مبارزه‌توده‌ها دارد.

از طرف دیگر، برای مردمی که موفق به از بین بردن استثمار انسان از انسان شده‌اند، مسئله زنان یکی از مشکلات جامعه بطور کلی بحساب می‌آید. جامعه‌ای که با مبارزه جذب زنان به زندگی فعال و همچنین به تولید

اروایی غربی بسیار رفوی است. گروه‌های متعددی با اهداف مختلف وجود دارند که بسیاری از اهداف آنها مثبت است. در جوامعی که فساد بطور روزافزون افزایش می‌یابد، در جوامعی که مصرف مواد مخدر و سرکشی جوانان و خشونت به تمام جوامعی برای ما در آن بحساب می‌آید، جایی که زن بعنوان یک کارگر با دریا مزد کمتری نسبت به مردها مورد تبعیض و ظلم قرار می‌گیرد و تازه شانس کمتری و احتمال ضعیف‌تری در مورد اجراء مطالبات و مناصب تخصصی برای این وجود دارد، زنان بطور بیخبر بسیاری چگونه جنبش‌ها (فمینیستی) جذب میشوند. جوامعی هستند که اگر چه از نظر ارتقاء و فرهنگی خیلی پیشرفت یافته ولی در آنها قوانین واقع‌گرایانه‌ای موجود است که ظلم و تبعیض را در حق زنان روا می‌دارد. ما متکبران نیستیم که گاهی اوقات از این طریق زنان به مبارزه می‌پیوندند و به



اجتماعی کوشش کند. در مملکت ما پس از پیروزی انقلاب، مبارزه‌ای هستی ناپذیر برای غلبه بر عقب ماندگی جریان داشته‌است. ما نباید غمناکی ای بوجود آورده‌ایم که برای رفع مشکلات زنان در مسائل خانگی کوشش میکنند هر چند هنوز تمام امکانات مورد نیاز را در اختیار ندارند. ما همچنین باید راه‌پیکر

نسبتی که آگاهی‌ها بالایی رود از رشد سیاسی برخوردار میشوند. اما متأسفانه بسیاری از گروه‌های فمینیست نیروهای را به‌پدر می‌دهند که نمیتوانند جنبش انقلابی واقعی را قدرت بخشد.

ما حتی بعضی کشورهای سرمایه‌داری را سراغ داریم که در آنها طبقه حاکم این جنبش‌ها را

آید فلولوژیکی را چه در میان زبانیان و چه در میان بقیه افراد جامعه دنبال می‌کنیم که هدف از آن نابود ساختن تمام مظاهر عقبی ما بندگانسی تعصبات و مرموردزبان و رفتنی است که آنها با بد درجا معیبه میگیرند. حتی در کشورهای سوسیالیستی با اقتضا دبیرترفته و مقام مهمی که زنان در آن ها دارند. هنوز در زمینه مسائل مادی و بد فلولوژیکی مشکلاتی وجود دارد که جامعه بطور کلی آنها را مورد تخریب و تحطیل قرار میدهد و بطور جدی کوشش میشود تا راه صحیحی جهت حل آنها بیاید.

سؤال: آیا فکر میکنید که تنشها ارجاع شغل به زنان ، امکانا تا لازم آید آنها میدهند تا موقعیت واقعی خود را بعنوان یک انسان اجتماعی فعال و متفکر در جامعه پیدا کنند؟

ویلما اسپین: قبلا اشاره کردم که راهی زبان مسئله ای نسبت که اختصاصی بزنان داشته باشد، بلکه مشکل تمام جامعه است. شرکت زن در کار اجتماعی اساسی شرکت او را در اجتماع تشکیل میدهد. زنان با بد رفتن واقعی خود را در جهان ایفا نمایند.

در گویا، زن میدانده که جامعه به او احتیاج دارد، که او بخشی از نیروهای تولیدی است که علیه توسعه دنیا ننگی نبرد میکند تا پایه مادی لازم، را برای ایجاد موسسات، خدمات و صنایعی که با او را در کارهای خانگی نیز سبکتر خواهد کرد، بدیناورد.

گذشته از این، کاره بزنان در پیشانی تازه ای می بخشد، افق دید آنها را وسیعتر می کند، زنان را از خانه بیرون کشیده و به آنان در مورد کسب آگاهی اجتماعی کمک میکند ولی منطقیآ تنشها صرف کار کردن تمام مشکلات را حل نمیکند. تمام جامعه باید به این مشکل آگاهی داشته و قدم عملی بردارد تا آنها داشته باشد.

سؤال: معنی شما چه تعصبات و ظلمها بی در مورد زنان اعمال میشده که امروزه انقلاب آنها را از زمین برود؟ ریشه های مشکلات چه بوده؟

و چگونه ما بوده است ؟

ویلما اسپین: در تمام جوامع نوین مظهر و اثرات روانی گذشته برای مدتی طولانی باقی می ماند. تغییر تفکر آنها با کارمیسار متکلی است. بهمین دلیل ما هنوز شاهد اثرات تبعیضی، ظلم و تعصب نسبت به زنان هستیم. در خود زنان ریشه این مظاهر در قرن ها استعمار کشورهای استعماری و امپریالیستی که سرمار است. طبیعتا با استناد به این اعتقاد نخستین محدودیه انجا موظف ما داری و کدبا نوبی بود که احتیاجی به آموزش صلح با آنها است. این استدلالات ارسوی دیگر در خدمت تامین منافع طبقات استعما رگربوده که در وقت لاسروزم را بعنوان نیروی کار ذخیره و ارزان مورد استفاده قرار میدادند.

دو جنگ جهانی را بنا طریبا ورسم، زمانی که زنان برای حیران کمبود کارگران مردی که به جنگ میرفتند در کارخانه نجات مورد نیاز بودند در آن موقع تمام تصورات آرایش ساخته شده در هم شکسته شد. زنان میبایست از خانه بیرون روند و در تولیدیها داشته باشند.

میتوان گفت وضعیت زن گویا بی پسار پیروزی انقلاب کما لانتغیر کرده. در طول این سیزده سال آگاهی سیاسی زنان و مردان رشد کرده و تراسلط کما ملاناره و پدید آورده است. اگر چه ما بطور کلی گفتیم هنوز تعصباتی وجود دارد که شاید برده دارترین آنها مربوط به کار زنان باشد.

همه کس ضرورت کار برای زن، جهت انجام وظایف اجتماعی و رشد صلح فرهنگی و سیاسی اش را درک نمیکند. این نیت در مورد مردان صادق است اگر چه زنانی هستند که مسئله را درک نمیکند. بعضی اوقات جلوه های فاسی از اعمال تبعیض در مردانی که تصدی بخش معنی از اقتصاد انگور را بعهده دارند دیده میشود. آنها

یک منا زره سیستماتیک را دنبال کرده و میکنند زیرا واضح است که ریشه کن کردن تا جزیترین تبعیض و ظلم به یک دوره آموزش سیاسی و فرهنگی نیاز دارد.

ما همچنین اقدامات دیگری برای مشارکت زنان و ایجا دسترین ترا بطی که جهت تغییر وضعیت آنان از کدبا نسبه کارگر برنده ضرورت دارد، انجام داده ایم. حزب، فدراسیون کارگران کوبا، وزارت کار و فدراسیون زنان کوبا کوشش می کنند تا زنان بتوانند خود را با وضعیت جدید کارگری خویش انطباق دهند. باید متذکر شویم که هدف این عمل سیاسی همچنین روشن ساختن مسئولیتهایی است که روح ها در این مرحله از مبارزه دشوار برای توسعه اقتصاد ای با بدر نظر داشته باشند.

زنان را کارگرا بر سمناسی کما ملا برا برامردان بحساب نسیماروند. البته این طرز تلقی مبتنی بر بر خورده ذهنی افراد است و عمومیت ندارد و این تنها نمودی است از تبعیضاتی که گسگاه آشکارا در نگاه میهنان معذالک انقلاب با این مسئله به بلور سیستماتیک میتوان گفت از همان آغاز مبارزه برده رهاخته است.

در فوریه سال ۱۹۵۹ فیدل از استعمار و تبعیض زنان سخن گفت. این واقعیت که سازمان ما با هدف شرکت دادن زنان در پیشانی انقلابی و آموزش فرهنگی و سیاسی آنان تشکیل شده بسیار نگرسازه، برای ریشه کن ساختن مظاهر تبعیض می باشد.

حزب کمونیست ما و فدراسیون زنان کوبا " و تمام سازمان های توده ای و سیاسی



تنها مسئولیت اجتماعي مشترک جهت آموزش فرزندان را کافي نيست. بلکه مسئوليت مقابلته با انواع مشکلات عملي که ترکيز زبان در کارهاي اجتماعي پديد ميآورد نیز در نظر است.

اين امری است که جوانان مخصوص دانشجويان مشترک در آن فعاليت مي کنند. از آنجايي که ما نما ميآيد مورد احتياج کسري است. سبک کردن کارهاي خانگي را در اختيار نداريم. اين مسئله اشتراك مساوي روح ها برتفع ميشود. منازک در انجام مسئوليت هاي مهم اجتماعي بنظر وظيفه انجام کار و آموزش فرزندان استکارا بيوندهاي يگانگي بين روح ها را نغويت کرده عشق و رازنا شويي



مفهومي عميق و واقعي مي بخشد.

سؤال: در طول ۱۱ سال کار دستاورد هاي اساسي "فدراسيون زنان کوبا" در زمينه هاي اجتماعي چه بوده است؟ اهداف "فدراسيون زنان کوبا" در آينده چيست؟

ويلما اسپين : کار زمان ما مشخصا کاري اجتماعي و سياسي است زيرا که ما ميگوئيم که گروههاي اجتماعي را که نمي آرزو جمعيت را تشکيل ميدهد رها نماند. ايدئولوژيکي آمانده سازيم و سمي ميکنيم. آرزو کار کامل در جريان انقلابي شرکت دهيم. بطوریکه بتوانا ندنشن و اقني را که شايسته است خواهد بود. دارا دره کشور خوا ما پسر مشاغل سياسي، فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي

ملکوت بعهده بگيرد. یک دستاورد حقيقتا مهم "فدراسيون زنان کوبا" و اردنا سخن زنان بيه کار اجتماعي است. علاوه بر آن تغييرات کيفي که انجام داده حقيقتا حارق العاده بوده است. زنان مثالي را بعهده آورده اند که قبلا امکان کسب آنها را نداشتند. اين کار را در تمام بهترى انجام ميدهند. زيرا که بطورکلي سطح آموزش و تکنیک آنها ارتقا یافته و اکثريت قاون کار را دلا تئري آنرا تا حد حمايت ميکنند. زنان هيچگونه محدوديتي در کار زنان ندارند. بجز در مورد مسا ئلي که قبلا اشاره کرديم ارتقييل مراکز نگهداري کودکان، خدمات و غيره که هر روز باي سخنويي به تقاضاي

روز افزون کافي نيستند. با اينحال زنان بدون آنکه مضموا ملي یک مرکز کار را بنهاند. قبلا از طريق انجام کار واد وطلبانه در کار آموزي، صنعت و خدمات وظايف اجتماعي مي خود را به اجسام ميرسانند. ملي اين سالها کمک هاي فوق العاده اي از طريق کار واد وطلبانه انجام شده است. دستاورد مهم ديگر در آموزش بوده است. با پذيروي انقلاب در آموزش زنان بزرگسال و تبخير فراهم شدن شرايطي که بزنان امکان ميدهد تا هز نوع شغل حرفه اي که خود ما ميل اند، تحصيل نمايند. موقعيت چشمگيري بدست آمده. در اين مورد "فدراسيون زنان کوبا" از طريق ايجاد دوره هاي آموزش مخصوص

سازمان ما علاوه بر انجام کارهاي دا وطلبانه در تمام جبهه ها، تمام مباحث "فدراسيون زنان کوبا" را از طريق حق عضويتی که ميپردازند تا عين مي کنند.

برنا مفعاليت "فدراسيون زنان کوبا" براي سال ۱۹۹۲ فوق العاده ميباشد. اما واقعيتا نه است. زيرا برنا مابتدا در سطح محلي مورد بحث قرار گرفته و سپس در سيمسمن مجمع ملي تصويب رسیده است. همچنين ما امسال براي حمايت از ميهد کوبک ها و ميسر در زمينه برنا مهاي حقيقي "انصتصوي مراقبت کودکان" فعاليت ربا دي خواهيم داشت. سؤال: "فدراسيون زنان کوبا" چه نقشي براي زنان آمريکاي لاتين در مبارزات را تا زاي طلبانه امروز اين کشورها تشمين کرده است؟

ويلما اسپين: آمريکاي لاتين هم اکنون محنه تفسيرات بزرگي است. جنبش انقلابي با ميگيرد، اگر نخواهيم فقط مهمترين جريانات را ذکر کنیم. با ايدار پذيروي حکومت اتحاد خلفي در فضلي. جريان غالب توهم ورشده دار در پيرو. موقعيتا ما دو مزاره راي حاکميت برکال نام پيريم که نشا ندهنده اين است که زمان تسلط مطلق ايبالت متعده در آمريکاي لاتين در حال افول است. مزاره براي رهلي خلفنا بنظر ما در آمريکاي لاتين در حال گشور است و ما پيش از تبش شرکت زنان را در مزارات احسان مي کنیم. ما اطمينان داريم که زن با يادنشن بسيار سهمي در مبارزه براي استقلال کامل ملي سازي کند و خوا هدد کرد. از اين گذشته، درون بزرگ ما آمريکاي لاتين مزارات زنان سنتخي تاريخي ورشده دار. است.

بقية در صفحه ۲۵

■ ما حه قبيل از سريگون ساختن حکومت "آلوا دورا لنده" در فضلي بدست امپرياليم آمريکا و عوامل داخلي آن، انجام گرفته است.

بزرگسالان، اداره سرنا مهاي خاص کسري تربيت کار دهني با زماني و همچنين ايجاد دوره هاي تکنیکی با توجه به ميا رهاي توليدي و شمه مواذ مذلعا نعي در زمينه خدمات اجتماعي و غيره تلاش فطلي را کسار رسیده است. در طول سال ۱۹۹۱، "فدراسيون زنان کوبا" علاوه بر شرکت در سرنا مهاي بسيار و مسئوليت ايجاد دوره هاي آموزش نوده اي را تبش بعهده داشت. نخستين دسته هزار نفره متخصص براي ميهد کوبک در همان سال آموزش داده شدند. همچنين ۱۷۰۰ دختر و ستا يسي خطاي آموخته ويگ دوره آموزش ابتدائي عمومي را گذرانند. هزاران زن که در مزارول سرما يدارا ني که کشور را ترک کرده بودند خدمتکار رسوندند براي انجام کارهاي ادي دوره ديدند. بعدها، دوره هاي مختلف فني بوسيله "فدراسيون زنان کوبا"، با همگاري سا رمان هاي بي که يدا کارگرماء هرنبا ردا شتند ترتيب داده شد. ما همچنين سخت کار ميگردد تا به مدارس ابتدائي و متوسطه کمک کنیم.

در رابطه با کار اجتماعي، ما سرنا مهاي وسعي را هماهنگ با وزارخانه هاي مختلف انجام داده ايم. پروژه ها از آموزش هاي بهداشتي مخصوص در زمينه بهداشت کودکان، رسان ردا روما دران جوان، کودکاسي که مشکلات رفتاري دا يند، خدمات اجتماعي، نسييلات تفرحي و غيره از آن جمله اند.

ميتوان گفت "فدراسيون زنان کوبا" به اهداف خود دست يافته است، زن بخش تکنیک با پذيروي دروان انتقالی اي است که در جامعه ما جريان دارد. در رابطه با وظيفه آينده ما سعي داريم برنا مهاي کثرتي را تا بالاترين حد گسترش دهيم. برنا مهاي تحت سير استسي دبيران، توليد، امورا اجتماعي، روابط خارجي، آموزش، روشنگري ايدئولوژيکي، ميهد کودک ها و امورا زماني و مالي سازمان ما ادا ره مي شونند. با ايدار تبديکه توده زنان

مباحثه با زنی از خلق کرد

- آبا زنها غیر از کشاورزی کار دیگری هم می کنند؟
بله . دامداری هم می کنند و درست کردن ماست و گوجه و غیره . درده ما قالی بافی وجود ندارد ولی دردها می که قالی بافی هست زن ها و دخترهای خیلی کوچیک را گذاشته اند برای قالی بافی که قالی های گران قیمت هم درست می کنند .

- اگر درده شما زمین را بین اهالی ده تقسیم کنند و بیغ میبوش میشود؟
بله ما قناعت می کنیم و کتا وری می توانیم زندگی کنیم ولی برای خوش بختی ما که زمین ندا رند ممکن نیست و با بدکا ردا شده ما خند بدون کار ما نه زمین ده ما کتا بت اهالی است . نمی ده ولی همه دلشان میخواد هکده در ولایت بنامند و پیشترهای دیگر روند . مردم ما آواره شهرها میشوند و برای کاروا رکا رهم خیری نیست

- آبا در اصلاحات ارضی زمین ها تقسیم شده بود؟
کمی بمرده زمین داده بودند یعنی دولت از ارباب ها با خرید بگرده بود ولی ارباب ها زمین هایشان را راد رند و هنوز هم زمین دار بزرگ هستند و ترا کتوردا رند و غیره و ما هم آواره میدادیم .

- آبا ا ز سال گذشته تبصری حاصل شده ؟
بله ما دیگر جا را رند ادم - یعنی دولت نیا مده سراغ ما برای اجاره و ارباب هم که پول زمین را قبلا گرفته بود . مردم میترسند زمین هارا تقسیم کنند چون میترسند دولت نیا بدو بگیرد .

- با ما زمانهای سیاسی کردستان آشنا می دارید و با آنها بده شما می آید؟
افراد ما زمانهای مختلف درده ما هستند و مسلح هم هستند آنها هیچ کاری بمردم ندا رند .

- این پوسترها که بدو ارباب طاق زده اید نشان دهنده یکی از رهبران کرد است و یک سازمان

سیاسی ، شما کدام را تا شد می کنید؟

دلش نمی خواست جواب بدهد و میگفت سترای ما دردمرست بود ولی با توضیح اینکه بهتراست مردم نظر شما ها را ندانند میگوید : ما شیخ عزالدین را قبول داریم . او که سینه خودش را بر کمرده و خودش و خانواده اش برای ما مبارزه می کنند هیچ ترس ندا رند . او برای ما مردم فقیر و نادار مبارزه می کند . اینکه میگویند او سر به حاجی دارد دروغ است او نه سر به امریکا دارد و نه سر به روس دارد . او با مردم است با ما مردم محروم و ارفقیرها و ندا رها حمایت میکنند مردم او را دوست دارند .

- ا ز سال گذشته تا بحال چه تغییراتی انجام گرفته ؟

حالا وضع خیلی بد است و مواد غذایی کم است . ما هیچ وقت روغن غیر از روغن خودمان نمیخوریم ولی حالا روغن آمریکا می (منظورش روغن نباتی است) هم گیر نمی آوریم و مرغ کتلوشی ۲۵ تا ۴۰ تومان است در شهر سوگان و آن هم میباید نشیود .

- فکر میکنید چه تغییری با بد انجام بگیرد تا مشکلات کردستان حل شود و مردم بمردم بشنود؟

اگر جنگ تا نعه با بدو ما خود مختاری بدهند وضع بیخود نیست . کشته خیلی زیاد است و بعضی خانواده ها سه تا چهار شهید داده اند . بفرقی نمی کنند اگر دیگر بگردند ر دو هر کسی که کشته شود ما نا راحت میبوشیم . با بد این وضع تا نعه با بدو خود مختاری بدهند .

- خود مختاری چیست ؟

خود مختاری یعنی اینکه ما خودمان اداره کننده خودمان را بشیم و ما حب زحمت خودمان با ا شیم و سر باران خودمان را کردستان بنگهداری کنند . همه چیز را خود کرد ها با بد . با بد شرکت بگذا رند (منظورش کار تولیدی است) که ما بتوانیم در ولایت خودمان کار بپیدا کنیم .

تاریخچه سا زمانهای زبان در ایران

مبارزات زبان در دوره های مختلف تاریخ ایران و همگام با اوج فردود جنش های مردم مینسان انکال متغیاتی به خود گرفته است . اما در تمامی این دوره ها ، چه در روزهای سیاهی که حکومت های مطلقه در اوج قدرت خود بودند و چه در لحظات پیروزی ما رزه برای سرکونی آنها همه جا محور زبان را - گاه در پشت صحنه و گاه در مقابل دشمن - می توان دید . از زبان روشنفکری که یک تنه به ما رزه علیه خرافات و ظلم دربارتاریخی بر خاستند از زبان مشروطه - طلبی که بطور جمعی در سرگرا هی تسرد در تبریز خان با خاست . همه و همه از بیسروی آگاه و تار نفس زبانی حکایت میگرد که در شبهای سیاه استبداد فئودالی وسطایی ، همدوش با بسرا دران خود بسوی آزادی می شناختند . اینکته اعتراضات زبان چگونه ما زمانه می شود آیا تشکیل شده بطور رهبری کننده زبان در این دوره وجود داشته است . بنوالتی است که جواب قطعی بر این سیر نیست . میباید در میان میدانیم که خوسترا آمریکا می در کتا با خود به نام " اختلاف ایران " از وجود انجمن های سری در میان زبان گفتگو میکنند که از سطرارت و مداخله زبان را در اموریاسی کشور در کنترل خود دارند . در مورد این انجمن ها در مباحثات دیگر بطرفه در مقاله ای تحت عنوان " تریکی ارتا ریخ " اشارات بیشتری شده است . اما در دوره پس از مشروطیت بتدریج سا زمانهای علمی زبان شکل می گیرد .

جنگ جهانی اول و انقلاب اکثر روسیه تا خیر سبزی در درده افکار مترقی در ایران و بخصوص استانهای شمالی کشور با میگذارد . در سال ۱۳۰۰ قسسی در شهر رشت جمعیتی بنام " پیک سعادت " تشکیل میشود که زبان و دختران

روشنفکر گیلان را به دور خود جمع میکند . این جمعیت مبارزه را راه کسب حقوق سیاسی و اجتماعی زبان را در مدبرستانها می خواد قرار داده و بدین منظور به تاسیس کلاس آکا برو کتا بخانه و ایجاد مجله " پیک سعادت " و براد سخنرانی و ... می بردارد . حکومت سیاه رضا خان که از سوی دیگر به اعطای آزادی شاهانه زبان مشغول است . مبارزات واقعیتی آزاد بخاها نه آنا را تحمل نمیکند و مجبلیه مدبئی از موسسان جمعیت و شوکت روستا را نه چهار سال حبس در زندان زبان شهران محکوم می نماید .

" نوان وطن خواه " تا م جمعیت دیگری از زبان مبارز است که در همین زمان در شهرستان تشکیل می شود . این جمعیت بیشتر مبارزات خود را منظور به از بین بردن خرافات و افکار عقب مانده در رابطه با زبان مینماید و به خرج جمعیت مدرسه آکا برو را به تاسیس می شود . مجله آن به مدیریت ملوک اسکندری انتشار می یابد . نتا تری نیز که توسط جمعیت ریسه رهبری میرزاده عشقی اداره میشود به روشن کردن افکار عمومی زبان مینماید . این نتا تری بعدها بدلیل مخالفت حکومت توقیف می شود . جمعیت در سال ۱۳۰۷ در ابتدای ورود دکترانی به ایران سا و رابطه برقرار می کند .

تا او خرده ها اول این قرن که حکومت عدا ررها خان از نشأت و استحکام کافی بر خوددار نیست جمعیت ها و انجمن های متعددی با هدف مبارزه برای آزادی زبان تشکیل میشود . جمعیت " پیداری نوان " که در سال ۱۳۰۵ در تهران تاسیس می شود . پیش از گذشته به طلب زبان زحمتکش توجه دارد . تاسیس نوعی از

اتحادیه منتهی زنان در اطمینان و انتشار مرحله "دختران ایران" توسط زنان روشنفکرشیراز و فعالیت گسترده "انجمن سوان" در فرسوس، مبارزات زنان در بحث های وسیعتری از جامعه عمیق و تند می بخشد. رها خان که منظور منحرف کردن مبارزات زنان و جلوگیری از رشد آگاهی آنها در سال ۱۳۲۴ " کانون بانوان " را تشکیل داد، انجمن ها و جمعیت های واقعی زنان را مثل سازمان های سیاسی منحل کرد. پس از آن " کانون بانوان " رها خان هستی کار "پرویش" انگار زنان را به پهنه میگرد و آنان را در جهت سبتر انجام دادن وظایفی چون خانه داری و بچه داری ارشاد میکند. رفیع اجباری حجاب هم توسط رها خان قدم دیگری است در جهت فریب دادن زنان و چپان نشان که در صدر برنامه اعطاء "آزادی" به زنان قرار دارد.

در خلال جنگ جهانی دوم ویس از آن، با سقوط دیکتاتور نیکین رها خان، زنان آزاده ایران یکبار دیگر فرصت یافتند تا تشکیلات خاص خود را بطور ملی بوجود آورند. حزب توده در تیرماه ۱۳۲۴ "تشکیلات زنان ایران" را ایجاد کرد. این تشکیلات نخستین هدف خود را متشکل کردن میلیونها زن کارگر، دهقان و روشنفکرو با هدف محروم سازی بدست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی و مخصوصا استقلال اقتصادی، اعلام میکند. بعضی رهبران سابق انجمن های زنان چون حمیده مدنی و زهرا اسکندری در کمیته مرکزی این تشکیلات عضویت

می یابند. در تشکیلات زنان ایران در سالهای جنگ در "اتحادیه ملی زنان" مدعا نیست چنان " وارد مستودن تا سال ۱۳۲۷ که غربت سوده توسط حکومت وقت مبرقا سوسی اعلام می شود تشکیلات زنان " آزادانه فعالیت های خود ادامه میدهد. پس از این تاریخ تنها سازمانی که "فعالانه" در "مرا" رشد و "افزایش" حقوق زنان " شرکت مجید، " سازمان زنان ایران " است که به ریاست آبروف پهلوی تأسیس می شود تا سه سازمان دادن در بخش های اجتماعی "درمان" طبقات زنان طبقات بالا بپردازد. برای طرح کارها مستقیم این سازمان در این مختصر مجال نیست. همین بس که در این دوره انجمن رفرهنگی زنان جامعه ما از طریق این سازمان به عنوان "محرای اصلی اعمال نفوذ سرزوری زنان طبقات مرفه و متوسط عملی میشود.

زنان مبارز آگاه ایران، با الهام از مبارزات توده های وسیع زنان در جنبش انقلابی اخیر در طول یکسال گذشته تا سانس سازمان های زنان پرداختند. از جمله این سازمان ها، انجمن رها خان، انجمن مستشاری زنان جمعیت زنان مبارز ... و اتحادیه ملی زنان است که با درک ضرورت شرکت آگاهانه زنان در ستر مبارزات رها خان بخش میهنی ما، کار سازماندهی و متشکل ساختن آنان را پایه و اساس فعالیت های خود قرار داده اند. ◆

پناه دو مبتلا ...
می گویند معدن چنان خوبالکاس مردان نخواستند معدن هستند. می توانید ببینید که مسئله ما جدی است.

اکنون بیشتر کسانی که در اردوگاه های معدنی زندگانی می کنند دهقانانی هستند که بر زمین خود اردوگوهستان ها ترک کرده اند، چون در آن جا چیزی که برای خوردن کافی باشد

بدست نمی آورند. این کوهستان ها در طول یکسال فقط یک محمول یعنی سبزمینی به دست می دهد. به جای این چیزهای دیگر خیلی کم تولید می شوند. اما معدن

بهبود عزت زنان ...

پس با این حال سزاوار نیست که به آوار بلند، فاض و بر ملا گفته شود که "عزت زنان نقاب پوش ایران یا بنده باد؟" بویاضه اطمینان و انکال با وهام مردان که همیشه در مقابل نظرشان محرم بود، زنان ایران فرصت تعلیم خود را بروفق خیالات جدید، از دست داده و از آن محروم گردیده بودند و نتوانستند از آن اقدامات خود را داشته محیی سبندولی با اینحال وبنا وجود مراقبت و نعمت مزدان، از بیما نه آزادی سیراب شدند. آنها همه روزه پولیسای خود را برای اعانه مملکت خود میدادند. و عدام وطن را شوق نموده و هر لحظه چشم سرت ما در آنه سرت های نگریستند. در آن موقع و آن وقت و خشک حزن افزا که دل های مردان ضعیف شده و خوف حس و زجر در روگلوله ریزش شدن، بر شمع ترس اهل مملکت، راه یافته وبناست و زدیگران عقب نما نندند... ◆



زنان در گروهای انقلابی ...

در نخستین جنگ استقلال ما، زنان در کنار ارتشهای خلقی و انتزاعی سوانا سنی سن ما رتین و بولسوار حضور داشتند. ما زنان انقلابی برجسته ای را میتوانیم نام ببریم که نه تنها به رزمندگان کمک میکردند بلکه خود از رزمندگان استقلال بوده اند. چون "انسانان کورت" که در سال ۱۸۶۹ درخواست کرد حقوق زنان در قانون اساسی جدیدناشدند. "مانوئلا ساپینز" و دیگران.

بدین ترتیب ما این نمونه هایی که

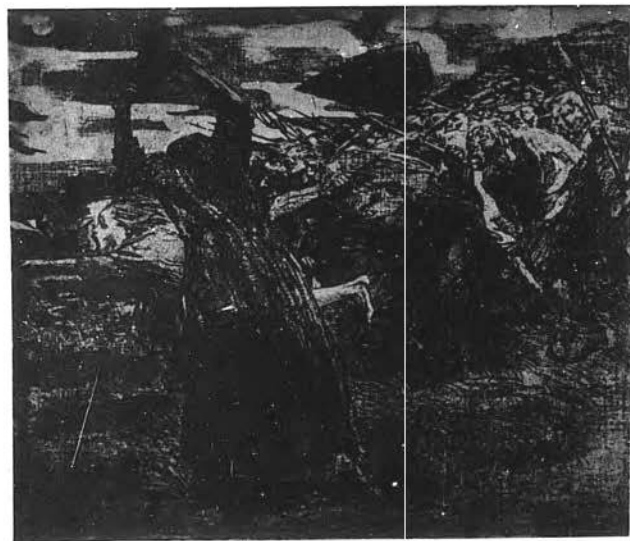
آیا با این حال سزاوار نیست که به آوار بلند، فاض و بر ملا گفته شود که "عزت زنان نقاب پوش ایران یا بنده باد؟" بویاضه اطمینان و انکال با وهام مردان که همیشه در مقابل نظرشان محرم بود، زنان ایران فرصت تعلیم خود را بروفق خیالات جدید، از دست داده و از آن محروم گردیده بودند و نتوانستند از آن اقدامات خود را داشته محیی سبندولی با اینحال وبنا وجود مراقبت و نعمت مزدان، از بیما نه آزادی سیراب شدند. آنها همه روزه پولیسای خود را برای اعانه مملکت خود میدادند. و عدام وطن را شوق نموده و هر لحظه چشم سرت ما در آنه سرت های نگریستند. در آن موقع و آن وقت و خشک حزن افزا که دل های مردان ضعیف شده و خوف حس و زجر در روگلوله ریزش شدن، بر شمع ترس اهل مملکت، راه یافته وبناست و زدیگران عقب نما نندند... ◆

در اروپا توجه به پیدا شدن آگاهی زنان در آمریکا از لاتین اطمینان داریم که زنان نیروی ملاق و میهن دوستانه خود را در مبارزات رها سنی طلبانه خلقهای خود جهت کمپ دومین استقلال و استقلال سبانی میهن به ظهور هند رسانند. خلق ما، زنان ما، شاهد رشد این مبارزات اند و همه سنی که ما، خود را با انسان ابراز کرده اند. ◆

بعضی اسامی زنان انقلابی آمریکا از لاتین در ترجمه فارسی حذف شده است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

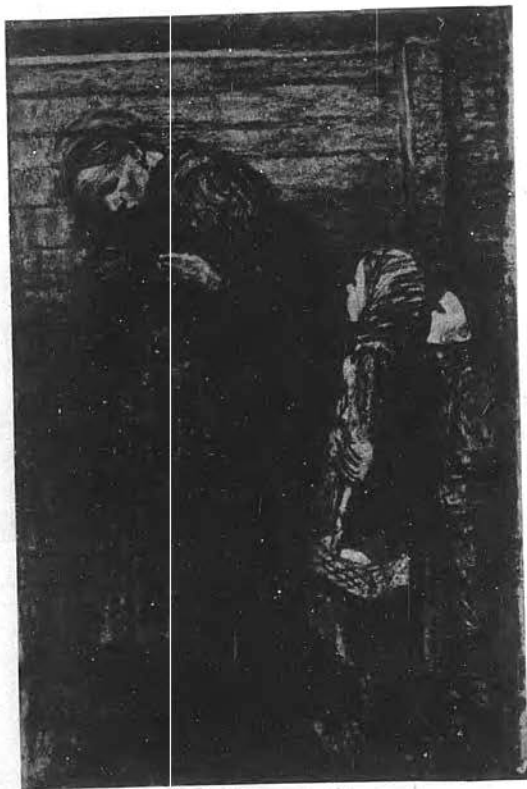
"کنه کولوبتس" و آفرینش‌های خلقی او



شورش ۱۹۰۳

در آن دوران بود. آفرینش‌های خلقی وی نشان روح حساس و آگاهانه عمیق وی به محرومیت‌های زحمتکشان است و آثار این زن هنرمند کلا در خدمت نما با ندن این محرومیت قرار داده.

"کنه کولوبتس" هنرمند آلمانی، در اواخر قرن نوزدهم در برلین می زیست. آثارش با زنان محرومیت‌ها، رنجها و مبارزات زحمتکشان زمان اوست. او از نزدیک شاهد شرایط دردناک زندگی بوده‌های کارگران و زحمتکشان آلمانی





زنان در مبارزه، را عنوانید از
 شاهنگ تهران خایان انقلاب خایان فروردین کوجه مشایق
 عشا تهران خایان انقلاب خایان فروردین
 نهنگند



فام ۱۸۹۹

ای مرغهای نوفان! پروازتان بلند،
 آرامش گلونه سویی را
 درخون خویشتن
 ! بشکونه عاشقانه پذیرفتید،
 این گونه مهربان.
 ز آنسوی خواب مرداب، آوازتان بلند

شعبی کدکنی